

عرصه‌های پاسخگویی دولت

● مرتضی شیروودی*

همه مسؤولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق، جواب تهیه کنیم.

امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۲۳

مقدمه

پیام نوروزی ۱۳۸۳ مقام رهبری که در آن کارگزاران جمهوری اسلامی را به پاسخگویی فراخواند، این پرسش را در کنار دهها پرسش دیگر، به دنبال آورد که دولت یا قوه مجریه، در چه عرصه‌هایی باید پاسخگو باشد؟ مقاله حاضر می‌کوشد به همین سؤال پاسخ دهد، اما لازم است قبل از آن، مفهوم دو واژه پاسخگویی، دولت یا قوه مجریه را تبیین کند: این نوشتار بر آن است، از دهها تعریف که درباره دو واژه فوق وجود دارد، تعریفی را برگزیند که در پاسخ به سؤال اصلی به کار آید.

الف - واژه پاسخ در لغت به معنای جواب، و گاه، به مفهوم مقابل پرسش و نیز، پاسخ‌گزار یعنی پاسخگویی، پاسخ دهنده و جواب دهنده است؛ بنابراین، پاسخگویی، معنایی جز پاسخ‌دادن و جواب دهی ندارد.^{۵۱} پاسخ‌گویی در اصطلاح، به معنای داشتن استدلال قانع‌کننده برای هر طرح و برنامه است،^{۵۲} از این رو، پاسخ‌گویی تنها به معنای ارائه گزارش نیست که شاید، کسی را متقاعد نسازد، بلکه پاسخگویی، به مفهوم ارائه گزارش درست، متقن و قانع‌کننده است، پس، آن سوی دیگر پاسخگویی، مردم‌اند، و از این جهت، حق دارند، کارکرد، عملکرد و کارآمدی مسؤولان را مطالبه کنند و این امر، در دولت اسلامی، مهم‌تر جلوه می‌کند، زیرا، دولت اسلامی، خدمت‌گزار مردم است، نه ارباب آنان، و در همه حال باید در برابر ملت، پاسخ‌گو باشد.^{۵۳}

ب - قوه مجریه، شعبه‌ای از حکومت است که اجرای قوانین و تعیین شیوه‌های

*. مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی



اجرای وصول به آن را بر عهده دارد، لذا، قوه مجریه، دستگاهی بس عظیم است که در برگیرنده وزارتخانه‌ها ادارات و دوایر متعدد با کارمندان فراوان، در سرتاسر کشور است.^{۵۴} این تعریف، به تعریف قوه مجریه در سطح کلان نزدیک است،^{۵۵} اما، قوه مجریه در مقاله حاضر، به مفهوم دولت حکومت است که شامل کلیه افراد و دستگاه‌هایی می‌شود که عملکردشان جنبه اجرایی دارد. چنین تعریفی، همان تعریفی است که از مجموع اصول مربوط به قوه مجریه در قانون اساسی جمهوری اسلامی از دولت، قابل اکتیاع است.^{۵۶}

معیارهای پاسخ‌گویی دولت

این نوشته، برای تعیین معیارهایی که بر پایه آن، دولت باید به پاسخگویی بپردازد، به نظرات رهبر، قانون، مردم و شعارهای دولت استناد می‌کند، از آن رو که عرصه‌های فوق، می‌تواند مهم‌ترین و شاید اساسی‌ترین مؤلفه در این زمینه به شمار آید:

۱- **انتظارات رهبری:** انتظارات مقام معظم رهبری از مجموعه قوه مجریه یا دولت، به شکل‌های مختلفی مطرح می‌شود که بعضی از آن‌ها به این شرح است:

۱/۱- **پیام‌های نوروژی رهبری:** در این مبحث و مباحث آینده، مقطع زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد، از آن رو که، اولاً، این مقطع همزمان با ریاست جمهوری محمد خاتمی است. ثانیاً، فراخوانی به پاسخگویی دولت از سوی رهبری، بیش از آن که به معنای مطلق دولت باشد، به دولت آقای خاتمی اشاره دارد.^{۵۷}

مقام معظم رهبری در پیام نوروژی ۱۳۷۶، بر پرهیز مردم و به ویژه، دولت از اسراف و تجمل‌گرایی تأکید کرد، و از مسؤولان کشور خواست تا راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم یاد بدهند، و در این زمینه، فهرستی از چیزهایی که می‌توان در آن صرفه‌جویی کرد را تهیه، و به مردم ارائه دهند.^{۵۸} عدم توجه دولت به این مسأله، باعث شد که معظم له در پیام نوروژی ۱۳۷۷، ضمن توصیه به مردم و دولت به صرفه‌جویی، بار دیگر، از دولت می‌خواهد که لیستی از انواع صرفه‌جویی‌هایی که مردم می‌توانند، انجام دهند، و ما ناچار هستیم در آن از سرمایه کشور هزینه کنیم، تهیه و به مردم تعلیم داده شود.^{۵۹} رهبری، سال ۱۳۷۸ را سال امام خمینی (ره) نامید، و دولت مردان را به حل مشکلات زندگی، مشکلات اقتصادی و دیگر مشکلات مردم، با

الگوگیری از امام توصیه کرد.^{۶۰} با این وصف، ایشان در پیام نوروزی ۱۳۷۹، تلاش‌های انجام شده در این زمینه را ناکافی دانست، زیرا، به اعتقاد رهبری، دولت نتوانست این مشکل (مشکلات) را برای مردم، آن چنانی که شایسته و مورد انتظار بود، برطرف بکند.^{۶۱} رهبری در پیام نوروزی ۱۳۸۰ فرمودند: اگر ما در کارنامه سال ۱۳۷۹، فهرست طولانی از کارهای صورت گرفته و برنامه‌های عمل شده و فهرست طولانی‌تر از کارهای نشده و نیازهای برآورده نشده، مشاهده می‌کنیم، ان شاء الله در سال ۱۳۸۰ شاهد باشیم که فهرست کارهای انجام شده بیشتر و طولانی‌تر و درخشان‌تر باشد و فهرست کارهای مانده و عقب افتاده بسی کوتاه‌تر.^{۶۲}

مقام معظم رهبری، بار دیگر در پیام نوروزی ۱۳۸۱، دولت را به اشتغال آفرینی دعوت کرد، ولی این بار برخلاف سال قبل از آن، اشتغال را نه در کنار اقتدار ملی، بلکه در جوار مبارزه با فساد مطرح، و از مسؤولان خواستند این دو را با همه جدیت و اهتمام، دنبال نمایند.^{۶۳} معظم له در پیام نوروزی ۱۳۸۲، عملکرد دولت در سال ۱۳۸۱، در زمینه اشتغال آفرینی و فسادزدایی را تحسین برانگیز، اما قانع کننده و کافی ندانست، و با نام‌گذاری سال ۱۳۸۲ به سال خدمت رسانی، به مسؤولین توصیه کرد که جوری عمل کنند که جوانان کشور مزه مبارزه با فساد و تلاش برای خدمت رسانی را بچشند.^{۶۴} سال ۱۳۸۲ را شاید بتوان برآیند پیام‌های نوروزی چند ساله اخیر رهبری تلقی کرد، به آن دلیل که دولت موظف به ارائه پاسخ در زمینه عمده‌ترین مطالبات رهبری طی سال‌های گذشته شد.

۱/۲ - سخنرانی‌های هفته دولت: هفته اول شهریور ماه، به منظور تجلیل از دولت و شهدای آن، به ویژه شهید رجایی و باهنر، گرامی داشته می‌شود، و نیز، هر ساله در این ایام، هیأت دولت، با رهبری دیدار و رهنمودهای لازم را معظم له برای بهبود کار دولت ارائه می‌کنند.^{۶۵}

مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت دولت (شهریور ۱۳۷۶) بر پرهیز از شتاب‌زدگی و جلب رضایت مردم از سوی دولت‌مردان تأکید کردند، هم چنین، از دولت خواستند، امنیت کسانی که حتی با دولت روابط صمیمانه‌ای ندارند را حفظ کنند، و بر شعار قانون‌گرایی تا لحظه آخر باقی بماند.^{۶۶} آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مجدد با هیأت دولت (شهریور ۱۳۷۷) ضمن تأیید طرح سامان دهی اقتصادی، کسانی که نسبت به این قانون

نظراتی دارند را هم، موظف به همکاری با آن کردند.^{۶۷} شاید بروز آرای اقتصادی مختلف در دولت، غیر از آنچه در طرح سامان دهی اقتصادی آمده بود، رهبری را ناچار ساخت بار دیگر، در دیدار با هیأت دولت (شهریور ۱۳۷۸)، اعضای دولت را به انسجام و هماهنگی حول محوریت رئیس جمهور دعوت کند و به آنان بفرماید: طرح سامان دهی اقتصادی کار بزرگی بود، چرا شما آن را نادیده می‌گیرید.^{۶۸}

محور دیگری در سخنان رهبری در هفته دولت، طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ به چشم می‌خورد و آن، تأکید بر مبارزه با فقر، فساد و تبعیض است که بی‌شک، بخش مهمی از این مسؤلیت برعهده قوه مجریه (دولت) قرار دارد. در این راستا، در سال ۱۳۷۹ معظم له در تبیین نیازهای اصلی کشور، بر لزوم مبارزه با فقر، فساد و تبعیض اشاره کرد،^{۶۹} و در سال ۱۳۸۰، خواستار رعایت مفاد نامه هشت (۸) ماده‌ای خویش به سران سه قوه در مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی شد.^{۷۰} در سال ۱۳۸۱، مقابله با فساد اقتصادی را، در درجه اول، کار دولت می‌دانستند،^{۷۱} و در سال ۱۳۸۲، از متوقف ماندن خیلی از مصوبات ستاد سران سه قوه در مبارزه با فساد اقتصادی در پیچ و خم اجرائیات، ابراز نگرانی کرد و افزود: «به اعتقاد من، مرکزی که باید مبارزه با مفاسد اقتصادی را دنبال کند، دولت است.»

۱/۳ - مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام: براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبری، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین و ابلاغ می‌کند. به علاوه، برپایه بخشی از اصل ۱۱۲ قانون اساسی، مشاوره در اموری که رهبری ارجاع می‌دهد، از وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام به شمار می‌رود. نتیجه این که، مصوبات و ارائه مشاوره از سوی مجمع، در صورت تصویب مقام معظم رهبری، از اوامر و فرامین معظم له محسوب می‌شود. از جمله:

سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تهیه شده از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در اول خرداد ۱۳۷۸ از سوی مقام معظم رهبری برپایه اصل ۱۱۰ قانون اساسی به ریاست جمهوری ابلاغ شد. هدف این سیاست‌ها، استقرار عدالت اجتماعی، ارتقاء دینی، علمی، فرهنگی، امنیت و رفاه اقتصادی، افزایش عزت و اعتبار بین‌المللی نظام است. هدف اقتصادی این سیاست‌های



کلی؛ رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد، کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات، ایجاد نظام تأمین اجتماعی، فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال بیشتر، واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به بخش‌های تعاونی و خصوصی، حفظ امنیت سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی جامع برای دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی، کاستن از تکیه بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، فراهم‌آوری خودکفایی در کالاهای اساسی است. در بخش فرهنگی، سیاست‌های کلی در پی نیل به زنده و نمایان نگاه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام (ره)، رعایت آراستگی سیمای جامعه با ارزش‌های اسلامی و انقلابی، جهت‌دهی رسانه‌ها به سمت سالم‌سازی فضای عمومی، رشد آگاهی‌ها و فضائل، توجه به پرورش شکوفایی استعدادها، معرفی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام و ایران اسلامی است. در سایر بخش‌ها، توجه به موضوع جوانان، اصلاح نظام اداری، تقویت و کارآمدکردن نظام بازرسی و نظارت، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، توجه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور، تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین، مورد اهتمام قرار گرفت.^{۷۲} در این راستا رهبری در هفته دولت سال ۱۳۷۸، بر این نکته که برنامه‌های دولت باید از دل سیاست‌های کلی برنامه سوم بجوشد، تأکید می‌کند.^{۷۳}

در ۳ بهمن ۱۳۷۹ و در ۷ خرداد ۱۳۸۰، سیاست‌های کلی نظام که توسط مجمع تشخیص مصلحت فراهم آمده بود، به وسیله مقام معظم رهبری و در اجرای اصل ۱۱۰ قانون اساسی به قوای سه‌گانه، به ویژه قوه مجریه (دولت) ابلاغ شد. بخشی از این سیاست‌ها عبارتند از: در بخش امنیت اقتصادی، کارآفرینی از راه‌های قانونی، ایجاد رفاه عمومی، رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم اقتصادی، در بخش انرژی، بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی به جای صورت نفت خام و گاز طبیعی، تلاش برای ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای، در بخش منابع آبی، ایجاد نظام جامع مدیریت در چرخه آب، ارتقاء دانش عمومی در بهره‌برداری از آب، مهار آب‌ها، و در بخش معدن، سیاست‌گذاری و اطلاع‌رسانی جامع و هماهنگ در علوم و فنون زمین، در بخش منابع طبیعی، ایجاد عزم ملی بر احیای منابع طبیعی تجدید شونده و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و تقویت آموزش و نظام اطلاع‌رسانی، در بخش



حمل و نقل، ایجاد نظام جامع حمل و نقل، در بخش رسانه، ایجاد، سامان دهی و تقویت نظام ملی اطلاع رسانی.^{۷۴} بی‌شک تحقق این سیاست‌ها، در گرو وارسنگی دولت از تجمل و تنعم است، در حالی که رهبری در دیدار با اعضای کابینه دولت، از مرفه‌گرایی مسؤولان ابراز ناراحتی می‌کند.^{۷۵}

۱/۴ - فرمان ۸ ماده‌ای رهبری: مقام معظم رهبری با صدور فرمان ۸ ماده‌ای در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰، قوای سه‌گانه، به ویژه قوه مجریه را به مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی فرا خواند. در مقدمه این فرمان، حرکت به سوی نظام علوی، برافراشتن پرچم عدالت اسلامی، مراقبت از سلامت نظام اسلامی، فضا سازی و ایجاد امنیت و امید برای فعالیت‌های سالم اقتصادی از جمله هدف‌های صدور آن اعلام شد، و برای نیل هدف‌های فوق، بر موارد هشت‌گانه ذیل تأکید گردید:

ماده اول: مخالفت‌ها با جریان مبارزه با فساد اقتصادی و مالی، نباید در عزم مسؤولان خللی وارد کند، و در این مبارزه، بروز هر گونه تسامح به نوعی هم دستی با آن به شمار می‌آید.

ماده دوم: مبارزه با فساد اقتصادی و مالی، موجب ایجاد امنیت اقتصادی و اطمینان کسانی می‌شود که می‌خواهند، فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند.

ماده سوم: کار مبارزه با فساد، چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امنیت سپرده شود.

ماده چهارم: در مبارزه فساد، متهم کردن بی‌گناهان، معامله یکسان با خیانت و اشتباه، یکسان نگری به گناهان کوچک و بزرگ، خطاست.

ماده پنجم: بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه: از قبیل سازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات نقاط دچار آسیب را بررسی و شناسایی کنند.

ماده ششم: وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی، نقاط آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی را تحت پوشش قرار دهد.

ماده هفتم: در امر مبارزه با فساد، نباید هیچ تبعیضی صورت گیرد و در این راستا، هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا گردد.

ماده هشتم: با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه‌ای شعاری، تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود، و به جای پرداختن به ریشه‌ها، به سراغ خطاهای کوچک رفت.^{۷۶} با این



وصف، در اولین سالروز صدور فرمان، یک تجمع دانشجویی نسبت به عدم اجرای فرمان به اعتراض دست زد.

۲- **انتظارات قانون:** قانون در عرصه‌های مختلف، انتظاراتی را از قوه مجریه برمی‌انگیزد که تحقق بخشی به آن، به تصور عمومی درباره کارآمدی نظام مدد می‌رساند، و البته در این مجال، تنها بخش‌هایی از قانون برنامه سوم، قانون بودجه سالیانه و قانون اساسی استفاده می‌شود.

۲/۱- **قانون برنامه سوم:** قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر ۱۹۹ ماده، ۵۷ تبصره، ۲۶ فصل، ۳ بخش در ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. در بخش حوزه‌های فرابخشی این قانون، اصلاح ساختار اداری و مدیریت، سامان دهی شرکت‌های دولتی، واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها، سیاست‌های اشتغال، نظام مالیاتی و بودجه، نظام درآمد، سیاست‌های پولی و ارزی، سامان دهی بازارهای مالی، توسعه علوم و فن آوری سیاست‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. در بخش امور بخشی، بر آب و کشاورزی، صنعت، معدن و بازرگانی، انرژی، پست و مخابرات، حمل و نقل، عمران شهری و توسعه روستایی، مسکن، آموزش، فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی، امور دفاعی و امنیتی، امور عمومی سیاست داخلی و روابط خارجی، امور قضایی، بهداشت و درمان و در بخش آخر، به اجرا و نظارت تأکید شده است.^{۷۷}

فصل هفدهم قانون برنامه سوم به مسأله حمل و نقل پرداخته که روح حاکم بر آن تسهیل در حمل و نقل بار و مسافر، توسعه و ترمیم ترابری و... است، اما آمارها در موارد عدیده، نیل به هدف‌های فوق را تأیید نمی‌کند. از جمله: جابه جایی مسافر در پروازهای داخلی به میلیون نفر در سال ۱۳۷۶ (۹/۲)، ۱۳۷۷ (۸/۱)، ۱۳۷۸ (۸/۲) بود، و در سال ۱۳۷۹ به ۷/۸ کاهش یافت. روکش آسفالت آزادراه‌ها و بزرگ راه‌ها به کیلومتر در سال ۱۳۷۶ (۲۲۷)، ۱۳۷۷ (۲۱۷)، ۱۳۷۸ (۱۰۰) و در سال ۱۳۷۹ (۵۵) بود. تحقق اهداف کمی بخش حمل و نقل دریایی در ردیف کالاهای ترانزیت شده در بنادر تجاری به میلیون تن با کاهش ۷/۲٪ و در بخش حمل و نقل ریلی در ردیف احداث خطوط جدید با



کاهش ۸/۲٪ و در بخش حمل و نقل جاده‌ای با ۲۵/۱٪ و در بخش حمل و نقل هوایی با ۱۳/۵٪ مواجه بوده است. به علاوه در بخش‌های زیر نیز، یک سیر نزولی دیده می‌شود:

کسری بودجه در ۱۳۷۶، ۳۶۴/۳- و در ۱۳۷۷، ۶۶۱۱/۷- میلیارد ریال؛

نرخ تورم در ۱۳۷۶، (۱۷/۳)، ۱۳۷۷، (۱۸/۱) و در سال ۱۳۷۸ (۲۰/۱) درصد؛

نرخ بیکاری در ۱۳۷۷، (۱۲/۴۸)، ۱۳۷۸، (۱۳/۵۱) و در ۱۳۷۹ (۱۴/۲۵) درصد؛

تولید فولاد به میلیون تن در ۱۳۷۶، (۶/۰۸)، ۱۳۷۷، (۵/۶) و در ۱۳۷۹ (۵/۷)؛

خط فقر از ۱۵/۷ درصد در پایان برنامه دوم به ۱۶/۲ درصد در سال ۱۳۸۱، ۷۸٪

۲/۲ - قانون بودجه سالیانه: قانون بودجه، هر ساله و در راستای برنامه‌های

پنج‌ساله از سوی دولت تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و در صورت اختلاف بین آن دو به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رسد. از این رو، بررسی بخشی از چند قانون بودجه می‌تواند مبین انتظاراتی باشد که نمایندگان مردم در مجلس از دولت دارند.

هزینه‌های عمرانی مصوب به میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶، ۳۰۳۰۰ و در سال ۱۳۷۷، ۲۴۵۹۹ و در سال ۱۳۷۸، ۲۹۵۳۵ تعیین شد. این ارقام نشان می‌دهد که به طور معمول حدود ۳۰ درصد بودجه مربوط به هزینه‌های عمرانی بود. با این وصف، در ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، به ترتیب عملکرد دولت در هزینه‌های عمرانی ۲۰۷۳۰، ۱۷۶۵۵، ۲۷۲۰۲، میلیارد ریال و درصد تحقق آن، ۶۶/۹، ۷۱/۸، ۹۲/۱، درصد است. طی همین مدت، کسری بودجه به میلیارد ریال، از رقم ۶۵۳ در سال ۱۳۷۶ به ۷۱۱۵ در سال ۱۳۷۷ و ۶۴۰ در سال ۱۳۷۸ رسید. رقم کسر بودجه در سال‌های بعد، افزایش یافته است که دکتر ستاری فر، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در این باره گفت: $\frac{۳}{۴}$ از کسری بودجه از محل صرفه‌جویی و $\frac{۱}{۴}$ مابقی از محل صرفه‌جویی در طرح‌های عمرانی جبران خواهد شد. در این راستا، بودجه عمرانی کشور در سال ۱۳۸۱ از رقم ۵۵ هزار میلیارد ریال به ۴۳ هزار تقلیل یافت. بنابراین، علت افزایش کسری بودجه و کاهش رقم بودجه‌های عمرانی، دو سؤال در پیش روی قوه مجریه است.^{۷۹} هم‌چنین، مقایسه قانون بودجه ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ پرسش‌های جدید دیگری را مطرح می‌کند:

بخشنامه بودجه ۱۳۸۱، بیشتر بر مبنای کمک به اقشار کم درآمد بود، ولی در

بخشنامه بودجه ۱۳۸۲، به نحوی افزایش قیمت‌ها به چشم می‌خورد، و در آن، درباره



تأمین اشتغال و کاهش بیکاری هیچ راهکار جدیدی دیده نمی‌شد، در عوض در بودجه سال قبل، راه‌های جدید در این زمینه پیش‌بینی شده بود. همچنین، در بخشنامه بودجه ۱۳۸۲، بر خلاف سال ۱۳۸۱، طرح آمایش سرزمین کنار نهاده شد، و نیز، در قانون بودجه ۱۳۸۲، مطالبی تازه در مورد سامان‌دهی بازارهای پولی و ارزی گفته شد، ولی هیچ‌گاه به آن عمل نشد. شاید به دلیل عدم انسجام برنامه‌ای در قوانین بودجه است که چالش‌های اقتصادی بروز می‌کند. در این راستا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در مقدمه بخشنامه بودجه ۱۳۸۲ کل کشور، مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور را به این شرح، مورد اشاره قرار داد: حجم بالای بیکاری، عدم کارآیی ساختاری نهادهای تولیدی، کاهش قدرت رقابت تولیدات داخلی در مقابل کالاهای وارداتی، نارسایی و عدم شفافیت و قوانین و مقررات، سیستم اداری ناکارآمد، ناهماهنگی بین نهادهای تصمیم گیرنده، رشد بالای نقدینگی، حجم بالای طرح‌های در دست اجرا و در عین حال، شروع طرح‌های جدید، بعضاً بدون توجه فنی و اقتصادی و وابستگی زیاد و فزاینده به منابع حاصل از صادرات نفت. اما چرا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، علی‌رغم تولید بودجه بندی کشور، بر ناکارآمدی بودجه سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ تأکید می‌ورزد؟^{۸۰}

۲/۳- اصول دوم و سوم قانون اساسی: مطابق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: ۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح. ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی. ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا که از راه: الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین. ب- استفاده از علوم و فنون و تجارت پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها. ج- نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کنشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.^{۸۱}

دولت (قوه مجریه) برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی، باید همه امکانات خود را به شرح ذیل، برای تحقق این امور به کار گیرد: ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و میارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.



۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. ۴- تقویت روح برررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. ۶- محورگرانه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی. ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حد قانون. ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۹- دفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی. ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور. ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه. ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها. ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم. ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.^{۸۲}

بی شک برخی از هدف‌ها و ابزارهای فوق، به قوه مجریه برمی‌گردد که آشکارا در مواردی از آن، از جمله در ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، ایجاد نظام اداری صحیح و... ناتوان بوده است.

۲/۴- اصل ۲۱ قانون اساسی: در این اصل آمده است: من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که برعهده گرفته‌ام، بکار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت

اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.^{۸۳}

برپایه این سوگند نامه، رئیس جمهور در کنار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی، پاسدار قانون اساسی نیز به شمار می‌رود، در حالی که ارائه لایحه افزایش اختیارات ریاست جمهوری از سوی دولت به مجلس، در موارد عدیده‌ای با قانون اساسی تناقض و با پاسداری از آن مبیانت دارد. از جمله:

قانون اساسی قوای سه گانه را زیر نظر ولایت مطلقه فقیه و امامت امت قرار داده است (اصل ۵۷). همچنین در اصل ۱۱۰ (بند ۷) تنظیم روابط قوای سه گانه برعهده ولی امر، مقرر شده است (آنچه که قبلاً برعهده رئیس جمهور بوده است). از طرفی احکام رئیس جمهور و قوه قضائیه به وسیله رهبر صادر می‌شود (اصل ۱۱۰) در واقع مقام برتر و نصب‌کننده مقامات این دو قوه، رهبری است. با توجه به اصل ۵۷، و ۱۱۰ قانون اساسی، قوای سه گانه در خط سلسله مراتبی نسبت به رهبری قرار دارند، و هیچ‌گاه مطابق ضوابط و قواعد اصولی و حقوقی در یک نظام سلسله مراتبی، با حفظ اختیارات و مسؤولیت‌های مقامات پایین‌تر، خط سلسله مراتبی پایین‌تر به بالاتر نمی‌تواند نظارت و اعمال اقتدار داشته باشد، لذا آشکارا نظارت ریاست جمهوری بر رفتار رهبری و حوزه رهبری از حیث اجرای قانون اساسی، غیرقانونی بوده و عملاً نیز، غیرممکن است.^{۸۴}

به علاوه اعطای اختیارات به رئیس جمهور، ریاست قوه مجریه را در مقامی بالاتر از سایر قوا قرار می‌دهد. این امر، به برهم ریختن اصل تفکیک قوا منتهی می‌شود که در اصل ۵۷ قانون اساسی بدان تصریح شده. افزون بر آن، رئیس جمهور برپایه لایحه افزایش اختیارات، قادر خواهد بود، در مواردی که تفسیر شواری نگهبان را مبین با قانون اساسی بدانند، آن را نپذیرد، ولی این اقدام نقض قانون اساسی است که تفسیر آن را منحصرأ برعهده شورای نگهبان قرار داده است. بنابراین، این ابهام هم‌چنان وجود دارد که درخواست اختیارات جدید، در تنافی با سوگندنامه ریاست جمهوری در پاسداری از قانون اساسی است.

۳- انتظارات مردم:

یکی از راه‌های مهم فهم انتظارات مردم، انجام یا رجوع به نظرسنجی‌های علمی است. البته، گرچه در مورد صحت علمی این نظرسنجی‌ها، تردیدهایی همواره وجود دارد، ولی مقایسه بینابینی آن‌ها و ملاحظه تأکید همه آن‌ها بر یکسری مسائل مشترک، صرف‌نظر از تفاوت‌های کمی، می‌تواند اعتماد و اطمینان لازم را فراهم آورد.

۳/۱- نظرسنجی روزنامه ایران: روزنامه ایران ارگان رسمی دولت - در روزهای

آغازین اولین دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به یک نظرسنجی در مورد انتظارات مردم از رئیس جمهور منتخب دست‌زده، و آن را در ۲۶ خرداد ۱۳۷۶ منتشر ساخت که بر اساس آن، ۲۹٪ مردم خواهان توجه به نیازهای اساسی و تداوم سازندگی، ۲۵٪ تحقق حاکمیت قانون مساوی بودن همه افراد، ایجاد ایرانی آباد و فردای بهتر، ۱۷٪ اجرای برنامه‌های مناسب از سوی رئیس جمهور، ۲۹٪ موارد فوق، به علاوه، نظارت و کنترل، افزایش سطح تولید و گسترش فضای باز سیاسی بودند. در مجموع، برپایه این نظرسنجی، ۷۰٪ از مردم، حاکمیت قانون، کنترل و نظارت دقیق در اجرای قانون، ادامه سازندگی، حل مشکلات اقتصادی و رفع مسائل جوانان را تقاضا کردند.^{۸۵} با این وصف، دولت از آغاز به کار مجلس ششم تا خرداد ۱۳۸۲، ۲۴ لایحه به مجلس برد که تنها حدود ۲۰ لایحه آن، مستقیماً به مسائل اقتصادی مربوط می‌شد.^{۸۶}

۳/۲- نظرسنجی پژوهشکده مطالعات راهبردی: این پژوهشکده نیز، در آستانه

آغاز به کار آقای خاتمی، مهم‌ترین خواسته‌های مردم را در یک نظرسنجی علمی به شرح زیر تعیین کرده بود.

حل مشکلات اقتصادی، احترام و رفع مشکلات جوانان، تحقق آزادی‌های بیشتر، عمل به وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهوری، مبارزه با دشمنان انقلاب، حضور رئیس جمهور در بین مردم، توجه به آموزش عالی، تداوم برنامه سازندگی، هماهنگی با ولایت فقیه، تأمین امنیت، تحول وضع موجود و عملکرد فراچناخی. در این نظرسنجی حل مشکلات اقتصادی با ۸۹/۲ درصد در صدر، و عملکرد فراچناخی با ۵۵/۸ درصد در ذیل خواسته‌های مردم قرار داشت،^{۸۷} این در حالی است که برپایه نظرسنجی به عمل آمده از سوی صدا و سیما که پس از صدور فرمان ۸ ماده‌ای رهبری انجام شد، ۴۸ درصد پاسخ‌گویان، علت اصلی گسترش مفاسد اقتصادی در جامعه را ناشی از مشکلات اقتصادی



از قبیل فقر، تبعیض و بیکاری و ۱۷ درصد دیگر، علت این مسأله را متأثر از نظام ناکارآمد اقتصاد دولتی اعلام کردند.

۳/۳- نظرسنجی دکتر محسنی: در این نظرسنجی، تورم با ۳۲/۹ نارسایی اقتصادی با ۱۵/۵، بیکاری با ۱۲/۳، کمبود مسکن با ۸/۲، ضعف مدیریت با ۴، ضعف علمی با ۳/۲، زیادی جمعیت با ۲/۸، عدم رعایت شئون اخلاقی با ۲/۷، گران فروشی با ۲/۴، بی‌قانونی با ۲/۲، ده مشکل اولیه کشور از دیدگاه پاسخگویان اعلام شد که سهم مسائل اقتصادی در آن بیش از همه است. و البته، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای حل نارسایی‌های اقتصادی، حذف انحصارات بخش خصوصی و دولتی است که علی‌رغم وعده‌های رئیس جمهوری در طرح سامان دهی اقتصادی، در رفع انحصارات موفقیت چندانی، نصیب دولت نشده است. و نیز، فقدان بدنه کارشناسی قوی، سنتی بودن ساختار اداری، تبعیض شدید میان مؤدیان مالیات، تعدد عوارض، گستردگی فرار مالیاتی و... به عنوان بخش اندکی از نواقص مهم‌ترین وزارت‌خانه اقتصادی دولت، یعنی وزارت امور اقتصادی و دارایی، دولت را از رفع مشکلات اقتصادی مردم باز داشته است.^{۸۸}

۴/۳- نظرسنجی مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی: در این نظرسنجی که در اسفند ۱۳۸۱ انجام شد، ۵۶/۱ درصد، وضع قوانین و ۲۰/۶ درصد، رسیدگی به مشکلات مردم را از اساسی‌ترین وظایف مجلس دانسته که در این بین، مهار تورم، توزیع عادلانه ثروت و اشتغال، مهم‌ترین عرصه برای قانون گذاری مجلس از سوی پاسخگویان اعلام، اما ۲۵ لایحه پس از تصویب مجلس ششم تا خرداد ۱۳۸۲، از سوی شورای نگهبان، مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته شده، و ۱۵ لایحه دیگر به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است. به علاوه، از ۱۶۹ طرح و لایحه‌ای که در مجلس ششم مطرح شده، تنها ۲۷ مورد آن مربوط به مسائل اقتصادی بود. حاصل چنین وضعیتی، مسائلی چون بیکاری و تشدید مشکلات اقتصادی است که بوش پسر در تیرماه ۱۳۸۲، یکی از دلایل دلسوزی خود را نسبت به جوانان ایرانی، همین دو مسأله عنوان کرد. برپایه نظرسنجی دیگری که مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی انجام داده، عملکرد مجلس ششم در سه عرصه معیشت عمومی، مشکلات جوانان و مسأله اشتغال، بدتر از دیگر عرصه‌ها تشخیص داده شد. شاید از این رو، مردم در نظرسنجی مرکز سنجش افکار سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج مبارزه با مفاسد اداری، حل



مشکل بیکاری و حل مشکلات اقتصادی را در صدر دوازده انتظار خویش از مجلس هفتم قرار داده‌اند. مقایسه عملکرد مجلس ششم و انتظاری که از مجلس هفتم وجود دارد، نشان می‌دهد که دولت به عنوان تأمین کننده اصلی لوايح، در عرصه رفع مشکلات اقتصادی مردم، به درستی عمل نکرده است. البته، به ظاهر حجم لوايح اقتصادی ارائه شده دولت به مجلس بالا نشان داده می‌شود، ولی بخش اعظم این لوايح، مربوط به موافقت نامه‌های اقتصادی با دول دیگر است، به گونه‌ای که از ۳۳۰ مصوبه‌ای که مجلس ششم تا خرداد ۱۳۸۲ تصویب کرده است، ۱۲۹ مورد آن مربوط به موافقت نامه‌هاست.

۴- شعارهای دولت:

سید محمد خاتمی در ۲ فروردین ۱۳۷۶ و در برابر حیرت ناظران سیاسی به ریاست جمهوری برگزیده شد. انتخاب او، تصادفی و یا عاطفی نبود، بلکه حاصل هوشمندی ناشی از برنامه‌ها و قرارهایی بود که مردم در دوران تبلیغات ریاست جمهوری، از آقای خاتمی شنیده بودند. این برنامه‌ها و قرارها که به بروز انتظارات جدید مردم از ریاست جمهوری انجامید، در پی سال‌های نخست انتخاب خاتمی نیز ادامه و تشدید یافت. برپایه سخنرانی‌ها و بیانیه‌های مستقیم ایشان در مقطع زمانی فوق، وعده‌های رئیس جمهوری، به شرح زیر قابل احصاء است که البته، این شعارهای تبلیغی، پس از گذشت هفت سال می‌تواند، محورهای سنجش و پاسخگویی عملکرد دولت هم تلقی شود.

۴/۱ - اقتصادی: از میان مؤلفه‌های متعدد اقتصادی مطرحه از سوی سیدمحمد

خاتمی، تنها به بررسی سه مقوله عدالت، سازندگی و برنامه‌ریزی می‌پردازیم:

عدالت: قسط و عدالت، هدف بعثت پیامبران الهی و مایه و دوام و پایه و قدرت جامعه است، و لذا، باید روح عدالت بر تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام اسلامی حاکم باشد، براین پایه، ایجاد فرصت‌های مساوی، تضمین دسترسی به امکانات برابر، برخورداری متناسب آحاد ملت از موهبت‌های جامعه، فراهم کردن زمینه شکوفایی استعدادها، آفرینندگی، مقابله با تبعیض، رفع فقر، تأمین زندگی شرافتمندانه برای همه افراد، به ویژه مستضعفان از وظایف قطعی و نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران است. در حالی که نمایندگان مجلس هفتم با تعیین و اختصاص گروه کاری دوم و سوم از بین ۹ اولویت و گروه کاری مبارزه با بیکاری، تورم، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض،

در صدد تحقق بخشی به عدالتی هستند که علیرغم شعارهای تبلیغاتی، تأمین نشده است.

سازندگی: نمی‌توان دم از اسلام زد، ولی سرزمینی عقب مانده و محروم داشت، لذا، سازندگی شرط گریزناپذیر ادامه انقلاب و تداوم آن است. تداوم سازندگی اقتصادی، همگام با توسعه سیاسی و شکوفایی فرهنگی به گونه‌ای موزون، همه جانبه و با شتابی هماهنگ، لازمه دستیابی به جامعه‌ای پیشرفته و با ثبات است. در روند پیشرفت و سازندگی، برخورداری عادلانه همه قشرها، به ویژه محرومان از مواهب اجتماعی و جلوگیری از بروز شکاف‌های عمیق اجتماعی از وظایف سیاسی دولت است ولی در نامه پول‌شویی وابسته به سازمان ملل متحد در تهران، به رئیس‌جمهور آمده است که علیرغم گذشت هفت سال از تاریخ دستور توقف آغاز طرح‌های جدید و پرداختن به طرح‌های نیمه تمام، هنوز منابع رسمی خیر از وجود پنج هزار طرح نیمه تمام می‌دهند، با آن که بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۷۸، ۲/۸ درصد رشد داشته است.

برنامه‌ریزی: جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که فقیر نیست، بلکه آباد است و در آن قدرت تولید ملی بالاست، جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که کار و شغل به تناسب نیازهای جامعه، فراوان است. انتظاری که در این باره باید از دولت داشته باشیم، تعمیم سازمان دهی و برنامه‌ریزی است، به گونه‌ای که همه نظرهای علمی و کارشناسی و دیدگاه‌های مختلف در تدوین برنامه‌های لحاظ شده، حتی نظرهای مخالف دولت هم باید شنیده شود که لازمه توسعه سیاسی همین است. اما رهبری در دیدار با مسئولان کمیته امداد امام خمینی (ره) فرمودند: «وجود فقر در جامعه از نامطلوب‌ترین امور و مانع شکوفایی استعدادهای جوانان و نوجوانان و طبقات محروم است، اگر امکانات برای این طبقات هم به حد کافی فراهم شود، حتماً استعدادهای خوب آن‌ها بیشتر شکوفا می‌شود.»

۴/۲ - فرهنگی: آقای خاتمی قبل از دستیابی به ریاست جمهوری، در سخنرانی‌های تبلیغاتی بر مقولات فرهنگی زیر تأکید ورزیده است:

دانشگاه: برای حفظ هویت دانشگاه‌ها، باید موضوع اسلامی کردن دانشگاه‌ها از طرف عده‌ای عالم و روشنفکر اعم از روحانیون روشن و دانشگاهیان متعهد، تعریف و



مورد بحث و بررسی قرار گیرد، و سپس به ارزیابی و چگونگی انجام راه‌حل‌های عملی و درست و منطقی آن پرداخت، و در پایان طرح خود را به صورت برنامه‌ای مدون تهیه کرد تا همه اساتید، دانشجویان و جامعه، تکلیف کار خود را بدانند. بی‌تردید، تحقق این امر به وجود ارتباط بیشتر رئیس‌جمهور با دانشگاه‌ها هم وابسته است، ولی رئیس‌جمهور ارتباط با دانشگاه را طی سال‌های اخیر کم کرده و حتی در سال ۱۳۸۲، از شرکت در مراسم ۱۶ آذر خودداری کرده است.

بستر سازی فرهنگی: یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران، بستر سازی برای فرهنگ است. هم چنان که دولت موظف است از حقوق عمومی دفاع کند، و نمی‌تواند اجازه دهد فرهنگ در معرض تاخت و تاز قرار بگیرد، به همان اندازه باید از حیثیت و حقوق فرهنگ آفرینان دفاع کند. به هر روی، بنای ما این است که به اصل اول برنامه خود که ترویج اخلاق محمدی و مبارزه با رذائل اخلاقی است، پای بند باشیم. در عوض، سایت اینترنتی گویا اعلام کرد، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای چاپ و انتشار نشریاتی هزینه شده که ۷۰ درصد آنان رویکرد سیاسی داشته و تنها به التهاب سیاسی جامعه دامن زده‌اند.

معنویت: فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ارتقای اندیشه اسلامی، معنویت، اخلاق محمدی (ص) و معیار قرار دادن آن‌ها در روابط فردی و اجتماعی و نیز، تلاش برای زدودن رذیلت‌های اخلاقی از جمله: ربا، تملق، نفاق و بی‌بند و باری از وظایف دولت به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی دعوتی است برای احیای دین و حاکمیت بینش اسلامی و دولت جمهوری اسلامی موظف است، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را براساس هدف‌ها و روح اسلام و عدم مغایرت آن‌ها با موازین شرع مقدس بنا نهد، و در این راه، بیش از هر چیز نیازمند هدایت و روشنفکری حوزه‌های علمیه معظم و عالمان ژرف‌اندیش است. که البته، این مواضع با استقبال دوتن از مقامات بلندپایه دولتی یعنی، ستاری فر - رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ابطحی - معاون حقوقی رئیس‌جمهوری - از شیرین عبادی در پایان سفری که به دریافت جایزه نوبل انجامید، سازگار نیست.

۴/۳ - سیاسی: در آغاز، وزن شعارهای سیاسی آقای خاتمی با دیگر شعارهای انتخاباتی وی یکسان بود، اما به تدریج شعارهای سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار شد. از جمله:



آزادی: انسان در آیین الهی، دارای کرامت است، و پاسداری از حرمت آدمی و رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع او از اهم وظایف دولت اسلامی است. انجام این رسالت مهم از سوی دولت منوط به آشنا تر ساختن مردم به حقوق خویش، زمینه سازی برای دستیابی آن‌ها به آزادی‌های قانونی نظیر آزادی بیان، قلم و تشکیل اجتماعات، ترویج شرح صدر، تعمیق اخلاق و فرهنگ مباحثه و گفتگو، پرهیز از خودکامگی و ممانعت از شکستن حرمت‌ها و تجاوز به حقوق آزادی‌های قانونی است. این نگرش در عرصه عمل، گاه به سوءاستفاده از آزادی منجر شد. به عنوان مثال، نشریه آفتاب در مقاله‌ای امام را آلت دست بیگانگان خواند، رئیس مجلس این اقدام را محکوم کرد، ولی هیأت نظارت بر مطبوعات، تنها آن را تحریف تاریخ نامید.

شایسته سالاری: برای راهبری کشور باید از همه نیروهای شایسته بدون توجه به جناح بندی‌ها و وابستگی‌های جناحی استفاده کرد. همچنین، باید در عزل و نصب مدیران، تنها ضابطه حاکم باشد و از پرخوردهای سلیقه‌ای پرهیز شود. در این راستا، من خود را نماینده هیچ گروه و جریانی نمی‌دانم و علت حمایت روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی را به خاطر پذیرش برنامه‌هایم از سوی آنان می‌دانم. در صورتی که براساس اظهارات یکی از نمایندگان، بزرگ‌ترین و دل خراش‌ترین سوانح جهان در زمان وزارت آقای خرم در وزارت راه و ترابری به وقوع پیوسته، وی به علت وابستگی‌های جناحی، تا چندی پیش هنوز بر مصدر کار باقی مانده بود.

جامعه مدنی: برای اعتلای جامعه مدنی، باید ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را افزایش داد. همان طور که برای منابع ملی تلاش و تحقیق می‌کنیم، باید منابع فرهنگی را نیز کشف و استخراج کنیم تا در پرتو فرهنگ غنی اسلامی، ایرانی آباد ساخته شود. البته دسترسی به چنین جامعه‌ای، بدون اجرای قانون میسر نیست، از این رو، از جمله مهم‌ترین تکالیف دولت، تلاش برای حاکمیت بخشیدن به قانون و ضابطه است، زیرا قانون شرط پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. به نظر می‌رسد منع حضور شهردار جدید تهران در جلسات هیأت دولت، چندان با شعارهای فوق انطباق نداشته باشد.

۴/۳ - **اجتماعی:** تنوع مسایلی که در عرصه اجتماعی از سوی آقای خاتمی مطرح شده، چندان نیست. ولی اهمیت آن‌ها از سایر مقولات کمتر نخواهد بود.



زنان: شاهد مظلومیتی تاریخی بوده‌اند، و این قابل انکار نیست. این مظلومیت باید از بین برود، به زنان باید فرصت مساوی برای حضور در عرصه مدیریت سیاسی و اجتماعی کشور داد. زنان باید تا بالاترین رده‌های مدیریتی رشد کنند و این حق آنان است، و البته یک جامعه مردانه از انسانیت متعادل به دور است. در واقع، مبنای توزیع مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی در یک نظام اسلامی، شایستگی است نه جنسیت. علیرغم شعارها، لایحه الحاق ایران به کنوانسیون زنان از سوی دولت تصویب و به مجلس فرستاده شد که اساس آن، برقاعده جنسیت است.

جوانان: باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که جوانان به مراحل بالای تحصیل، اشتغال و تشکیل خانواده دسترسی داشته باشند. لذا باید جوانان را در سیاست و برنامه‌ریزی کشور دخالت داد و هم آنان را برای آینده بهتر امیدوار نمود. به هر روی، جامعه ما، جامعه جوانی است و باید دسترسی همه فرزندان و جوانان به دانش و تحصیلات دانشگاهی فراهم شود. در حالی که مجلس هفتم، گروه‌های کاری دوم و پنجم خود را به ترتیب به مبارزه با بیکاری و تورم، اعتیاد، فحشا و ناامنی اختصاص داده که بیشتر آسیب‌پذیران آن جوانان هستند. این نشان از عدم توجه جدی به مسائل جوانان، طی سال‌های اخیر دارد.

نتیجه

عرصه پاسخگویی دولت، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی، وسیع و گسترده است. به همین جهت، دولت نمی‌تواند از انبوه پرسش‌هایی که متوجه اوست، تنها چند پرسش را برگزیند، و فقط به آن‌ها پاسخ گوید. به علاوه، پاسخ گویی، صرفاً به معنای گزارش دهی نیست، بلکه ارائه پاسخ‌هایی است که متقن و قانع کننده باشد، و منجر به افزایش و نه کاهش مشروعیت دولت گردد. با توجه و عنایت به این نکات، برخی از مهم‌ترین سؤالاتی که در عرصه پاسخگویی دولت به چشم می‌خورد، به تفکیک موضوعات مورد بحث این مقاله، عبارتند از:

الف - رهبری: با استناد به دستورات و منویات مقام معظم رهبری، سؤالات زیر درباره دولت و عرصه‌های پاسخگویی آن، مطرح است:

۱ - دولت، چه اقداماتی را در جهت تحقق محورهای عمده پیام‌های نوروزی رهبری،



چون: ارائه الگوی مصرف، آموزش دهی راه‌های مقابل با اسراف، اشتغال آفرینی و مبارزه با فساد اداری به عمل آورده است؟

۲ - کارنامه دولت در نیل به انتظاراتی که رهبری، در دیدارهای سالانه هفته دولت مطرح کرده‌اند، چیست، اهم این انتظارات به شرح ذیل است: تحقق بخشی به قانون‌گرایی و پرهیز از شتاب زدگی اجرایی، اجرای طرح ساماندهی اقتصادی، تأمین امنیت مخالفان، انسجام و هماهنگی درونی، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض.

۳ - دولت به چه میزان در دستیابی به سیاست‌ها کلی برنامه پنج ساله سوم، چون: افزایش اعتبار بین‌المللی نظام، ایجاد نظام تأمین اجتماعی، کاهش فاصله درآمد طبقات و اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، توفیق داشته است. به علاوه، عملکرد دولت در عرصه اجرایی شدن سیاست‌های کلی نظام، مانند: بهینه‌سازی مصرف انرژی، ایجاد عزم ملی بر احیای منابع طبیعی، چگونه است؟

۴ - دولت به چه اقداماتی برای اجرای فرمان ۸ ماده‌ای رهبری، حداقل در رابطه با مواد مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط به دولت، از قبیل: ارائه نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی و مبارزه با فساد ملی، انجام داده است؟

قانون: از مفاد قوانین مختلف (نظیر: قانون بودجه، قانون برنامه سوم و قانون اساسی) سوالات مهمی از مسئول بودن دولت، قابل طرح است از جمله:

۵ - اصلاح ساختار اداری، ساماندهی شرکت‌های دولتی، تسهیل در حمل و نقل، کاهش کسری بودجه، کم کردن نرخ بیکاری، تنزل تورم، به چه میزانی تحقق یافته است؟

۶ - دولت چه پاسخی دارد؟ به: کاهش بودجه‌های عمرانی، متوقف‌سازی طرح‌های عمرانی، انسجام بخشی به برنامه‌های عمرانی، افزایش قدرت رقابت کالای داخلی، شفاف‌سازی قوانین صادراتی و مهار و کاهش نقدینگی.

۷ - سنگینی سبد تلاش‌های دولت در ایفای نقشی که قانون اساسی به آن واگذار کرده، چقدر است؟ برخی از انتظارات قانون اساسی از دولت به این شرح است: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، تقویت روح بررسی و تتبع، رفع تبعیضات ناروا، پدیدآوردن نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصادی عادلانه، تأمین خودکفایی صنعتی، توسعه و تحکیم برادری و پاسداری از قانون اساسی.

ج - مردم: مردم انتظارات فراوانی از دولت، داشته و دارند که اغلب با گذشت زمان،

کهنه نشد و یا تغییر نیافته است. مثل:

۸ - کارکرد دولت در اجابت‌گویی به مردم. چون: حاکمیت قانون، تداوم سازندگی، نظرات دقیق عملکرد فراجناحی و فسادزدایی، چقدر روشن و قابل دفاع است؟
۹ - افزون بر آن، مردم در قبال انتظاراتی، مانند: توزیع عادلانه ثروت، حل مشکلات جوانان، رفع معطلات اقتصادی و حل مشکل مسکن، چه پاسخی را می‌توانند از دولت بکشوند؟

د - شعارهای دولت، به ویژه در اوایل دوره نخست ریاست جمهوری آقای خاتمی، بر دامنه انتظارات می‌افزاید. گرچه در مراحل بعد، انتظارات پدید آمده، فروکش کرد، ولی این کاهش به منزله انصراف مردم از آن خواسته‌ها نیست! به هر روی:

۱۰ - به اساسی‌ترین مطالبات مردم در چهار گسترده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی چه پاسخی داده شده است؟ این مطالبات در ابعاد فوق، عبارت است از: مقابله با تبعیض، برنامه‌ریزی اقتصادی، اسلامی کردن دانشگاه‌ها، ترویج اخلاق محمدی، مبارزه به ربا، پرهیز از حرمت شکنی، تعمیق بخشی به فرهنگ گفت و گو. شایسته‌سالاری، غنی‌سازی فرهنگ عمومی، تعادل‌گرایی در فعالیت‌های اجتماعی زنان و مردان و تسهیل در تشکیل خانواده.

پی‌نوشت‌ها:

۵۱. فرهنگ فارسی عمید، ذیل کلمه «پاسخ».
۵۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و کابینه به مناسبت هفته دولت. ر. ک: جمهوری اسلامی (۶ شهریور ۱۳۸۰) ص ۳.
۵۳. محمد خاتمی، آنچه در سردارم، جامعه سالم، شماره ۲۲ (مرداد ۱۳۷۶).
۵۴. جعفر بوشهری، مسائل حقوق اساسی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ص ۵۲.
۵۵. جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی، (تهران: همراه، ۱۳۷۲) ص ۲۸۳.
۵۶. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷) ص ۵۴۸.
۵۷. به بخشی از پیام نوروزی رهبری در سال ۱۳۸۳ توجه کنید: سال ۸۳ آخرین سال دولت خدمتگزار کنونی است... همان‌طور که برخی از دستگاه‌های مهم و تأثیرگذار کشور دوره‌هایی را طی می‌کنند و به پایان دوره مسئولیت‌های خودشان می‌رسند و دوره‌های جدیدی آغاز خواهد شد. آنچه در این سال مناسب و لازم است که انجام بگیرد، این است که مسئولان بخش‌های مختلف به مردم گزارش بدهند. در دوران مسئولیتی که در حال پایان یافتن است یا پایان یافته،



- چه خدمت بزرگ و چه کار شایسته‌ای را برای مردم انجام داده‌اند.
۵۸. جمهوری اسلامی (۹ فروردین ۱۳۷۶) ص ۳.
۵۹. همان (۸ فروردین ۱۳۸۳) ص ۳.
۶۰. همان (۱۴ فروردین ۱۳۷۸) ص ۳.
۶۱. همان (۷ فروردین ۱۳۷۹) ص ۳.
۶۲. همان (۷ فروردین ۱۳۸۰) ص ۳.
۶۳. همان (۱۴ فروردین ۱۳۸۱) ص ۳.
۶۴. مؤسسه حفظ و نشر آثار رهبری، CD سخنرانی‌های رهبری طی سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۲ (ویرایش اول).
۶۵. روز‌ها و رویدادها، ج ۲ (تهران: مؤسسه فرهنگی نشر رامین، ۱۳۷۷).
۶۶. جمهوری اسلامی (۳ شهریور) ص ۳.
۶۷. همان (۳ شهریور ۱۳۷۷) ص ۳.
۶۸. همان (۳ شهریور ۱۳۷۸) ص ۳.
۶۹. همان (۸ شهریور ۱۳۷۹) ص ۲.
۷۰. همان (۶ شهریور ۱۳۸۰) ص ۲.
۷۱. همان (۵ شهریور ۱۳۸۱) ص ۲ و ۱۳.
۷۲. عباس بشیری، پیشینه و کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام (تهران: صدف سما، ۱۳۸۱) ص ۱۷۸ - ۱۷۱.
۷۳. جمهوری اسلامی (۳ شهریور ۱۳۷۸) ص ۳.
۷۴. بشیری، همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۰.
۷۵. مؤسسه حفظ و نشر آثار رهبری، همان.
۷۶. جمهوری اسلامی (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰) ص ۱۴.
۷۷. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹ (تهران: روزنامه رسمی، ۱۳۸۰) ص ۱۷۷ - ۸۱.
۷۸. مصاحبه با دکتر سیدمهدی صحرايیان (اقتصاد دان) پگاه حوزه، شماره ۱۱۳ (۲۲ آذر ۱۳۸۲) ص ۷۹.
۷۹. گزارش اقتصادی از سال ۱۳۸۱ و نظارت بر عملکرد سه ساله برنامه سوم، قسمت دوم (تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲) صفحات مختلف.
۸۰. قانون بودجه کل کشور سال ۱۳۸۲ (تهران: ریاست جمهوری، ۱۳۸۲) مقدمه.
۸۱. قانون اساسی، اصل دوم.
۸۲. همان، اصل سوم.
۸۳. همان، اصل بیست و یکم.
۸۴. آیا اختیارات رئیس جمهور کافی است؟ ماهنامه تحلیلی هدایت، شماره ۱۶ (آبان ۱۳۸۱) ص ۱۵.
۸۵. خواسته‌ها و نظرات مردم، انگیزه‌های رئیس جمهور، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱) ص ۴۷.
۸۶. گزارش عملکرد شورای نگهبان، ماهنامه ناظر، شماره ۵ (تیر ۱۳۸۲) ص ۹ - ۸.
۸۷. همان، ص ۱۶.
۸۸. ویژه نامه عملکرد دستگاه‌های اجرایی، فصل نامه مجلس و پژوهش، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۰) ص ۶۹ - ۶۸ و شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۰) ص ۲۸ - ۳۷.